

پرسش ۶۱۰: رؤیای نشتن سید(ع) بر روی تپه شنی

السؤال / ۶۱۰: رأيت في عالم الرؤيا: وعدوني الأنصار أن يأخذوني للسيد(ع) وأنا ماشي معهم، ضعنا عن بعض بس ضعنا صرت أريد أن أوصل للسيد(ع) وصرت أفكر كيف أصل، ففكرت أعتد على نفسي وفعلاً وصلت ووجدت السيد(ع) يجلس على تلة رمل وأمامه مبنى يتعمر جديد، فجننت أنا من وراء السيد فجلست وراء السيد ووضعت يدي على رقبة السيد، فالسيد مال عليّ ووضع رأسه على يدي وابتسم لي، وبهذه اللحظة وصلوا الأنصار الثلاثة وعجبوا كيف وصلت لعند السيد لحالي، وهم جاؤوا من أمام السيد(ع) ولفت نظري على وجه السيد على (كرسة) خده كانت مخلوقة بشدة، فكانت بيضاء بشكل كبير لفتت انتباهي ووجهه كان أسمر.

پرسش ۶۱۰: در عالم رؤیا دیدم: انصار به من قول دادند که مرا نزد سید(ع) ببرند. من با آنها راه می‌رفتم. برخی برای ما مشکلاتی ایجاد می‌کردند که راهی شده بودیم تا به سید(ع) برسیم و داشتیم فکر می‌کردم که چطور برسم. فکر کردم که به خودم اعتماد کنم (به‌تنهایی بروم)؛ به‌هرحال رسیدم و سید(ع) را دیدم که بر روی یک تپه‌ی شنی نشسته و جلویش ساختمانی است که در حال بازسازی است. من از پشت سر سید(ع) آمدم و پشت سر سید(ع) نشستم و دستم را بر گردن سید(ع) گذاشتم. سید(ع) به سمت من برگشت و سرش را بر دستانم گذاشت و به من لبخند زد. در این لحظه سه تن از انصار رسیدند و تعجب کردند که من چطور الان پیش سید(ع) آمده‌ام، و حال آن‌که آن‌ها از روبه‌روی سید(ع) آمدند. در چهره‌ی سید(ع) حواسم به گونه‌اش معطوف شد که به‌شدت کم‌مو بود، بسیار سفید بود و توجهم را جلب نمود. چهره‌اش گندمگون بود.

فمشينا مع السيد في مكان في لبنان أعرفه وكان السيد في يده شيء صغير مثل البيضة، فكان يشير بتلك البيضة على تلال الرمل فيذوبها، فكررها على عدة تلال فبلحظة كنت أفكر أن السيد بلا البيضة ما يقدر يعمل شيء

با سید(ع) در جایی در لبنان که آنجا را می‌شناسم راه رفتیم. سید(ع) چیز کوچکی مثل تخم مرغ در دستش گرفته بود. با آن تخم مرغ به تپه‌های شنی اشاره می‌کرد و آن‌ها را ذوب می‌کرد. این کار را با چند تپه انجام داد. یک لحظه فکر کردم که سید(ع) بدون تخم مرغ نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد.

فالتفت عليّ السيد(ع) وكأنه فهم ما كنت أفكر فيه، فأعطني البيضة رماها عليّ وراح يشير بيده على التلال فذوبها، والحمد لله رب العالمين.

المرسل: عاملي - ألمانيا

سید(ع) متوجهم شد و گویی فهمید که به چه فکر کرده‌ام؛ تخم مرغ را به من داد و به طرفم پرت کرد و رفت با دستش به تپه‌ها اشاره کرد و آن‌ها را ذوب کرد. و الحمد لله رب العالمين.

فرستنده: عاملي - آلمان

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

أسأل الله أن يوفقك لما فيه خير آخرتك ودنياك، وأن يسددك ويوفقك وينصرك على القوم الظالمين.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را به آنچه که خیر آخرت و دنیایت در آن است،
موفق بدارد و شما را توفیق و تسدید عطا کند و بر قوم ستمکار نصرت بخشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - جب الأصب / ١٤٣١ هـ

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ١٤٣١ هـ.ق.

